

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارش ها	Reports
----------	---------

گزارشگران پورتال-افغانستان

۱۰/۱۱/۲۷

در افغانستان چه می گذرد؟ (۹۳)

راه سالنگ را بستند:

انتخابات مسخره پارلمانی در افغانستان با جدل ها و کشمکش های بسیاری همراه شده است. کمیسیون سمع شکایات این انتخابات، اخیراً به خاطر تخلف و تقلب نام ۲۱ نفر را از لست برندگان حذف کرده است. این افراد حذف شده، با اعتراض های شدیدی این عمل کمیسیون را تقبیح کرده اند. اما کاندیدان بازنده که بیشتر پرچمی های چون نورالحق علمی و کبیر رنجبر در رأس آنها در کابل قرار دارند، از روزیکه باخته اند تا حال تظاهرات را در کابل سازماندهی کرده و عده ای دیگر در کنار آنها بدون اینکه کسی از مردم در کنار آنها قرار داشته باشند، درین دو ماه هراز گاهی دست به تظاهرات می زنند و کبیر رنجبر اخیراً اعلان کرد که این انتخابات «غیرشرعی» می باشد. به تاریخ ۲۳ نوامبر عده ای از این کاندیدان در سرای شمالی دست به تظاهرات زده و مدتی راه به سوی شمالی را بستند. برخی از این کاندیدان در ولایت بغلان شام روز ۲۳ نومبر با آوردن کانتینر هائی در سالنگ شمالی این راه را بسته کرده و صد ها موتر ساعت ها آن سو و این سوی تونل بند ماندند. والی بغلان که یکی از جنگسالاران است، به رادیو آرمان گفت که این حق و کیلان شکست خورده است و به این خاطر باید کمیسیون سمع شکایات این جا بیاید و با این افراد صحبت کند، ما نمی توانیم به این فوریت بر مردم تفنگ بکشیم. درین میان "الکو" لوی خرنوال افغانستان که به تاریخ ۲۳ نومبر به مشرانو جرگه احضار شده بود، ابراز داشت که سر نوشت این وکیلان در سرای شهزاده و دویی تعیین می گردد و به این ترتیب اعلان کرد که این انتخابات با پول عده ای فاسد و مزدوران خارجی برگزار شده و همان ها سر نوشت انتخابات را تعیین می کنند. "الکو" در ضمن طی حکمی کار های احمد ضیا رفعت سخنگوی کمیسیون سمع شکایات و نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون برگزاری انتخابات را به حال تعلیق در آورد. این کشمکش ها در حقیقت جدل های میان گردانندگان اصلی کار ها که خارجی ها است صورت می گیرد. چند روز قبل سخنان اسماعیل خان ثبت شده بود و از طریق رسانه ها انتشار یافت که در آن به مسؤول کمیسیون برگزاری انتخابات در هرات دستور می داد که نام های برخی را از لست برندگان حذف کند که نشان می دهد این انتخابات پوشالی و زیر اشغال چه معنی دارد.

به روز چهارشنبه ۲۴ نومبر بالاخره کمیسیون برگزاری انتخابات لست افراد برنده را اعلان کرد، که در آن اکثر چپاولگران و جنگ سالاران در انتخابات پیروز شده اند. سیاف، قانونی، محقق، اکبری، بلخی، حضرت علی، امان الله گذر و غیره از کسانی اند که برنده اعلان شده اند و پیشبینی می شود که این بار احتمال آن است که سیاف به ریاست پارلمان دست پیدا کند. زیرا هم امریکا و هم کرزی پشتیبان سیاف می باشند.

امریکائی ها کشتار غیر نظامیان را ادامه می دهند:

با اشغال افغانستان به وسیله نیرو های امریکائی و متحدان دیگر امپریالیستی شان و بعد ظهور دوباره طالبان و القاعده و به راه افتادن جنگ در افغانستان، کشتار ملکی ها در افغانستان به سلسله همان کشتار های زمان تجاوز روسها، بعد جهادی ها و بعد طالبان ادامه یافت و این جوی خون هیچ وقت در افغانستان قطع نشد. درین راستا کرزی که از هیچ صلاحیتی در مورد آغاز، ختم و یا کاهش سطح عملیات نظامی در افغانستان برخوردار نیست و این را خودش هم اقرار می کند، از مدتی به این سو زیر فشار اذهان عمومی در مورد قتل غیرنظامیان پیوسته تشویش را اظهار می دارد و به این خاطر از نیروهای ناتو خاضعانه می خواهد که عملیات شبانه که باعث قتل بیشتر غیر نظامیان می گردد را قطع نماید، اما تا حال نه امریکا و نه ناتو به گفته او پیاز ریزه نکرده و به کار شان همچنان ادامه می دهد، اینک کمیسیون حقوق بشر در افغانستان اعلان می دارد که در هفت ماه سال روان میلادی یک هزار و سیصد غیر نظامی در افغانستان به قتل رسیده اند، با این که بسیاری این تعداد را از اصل آن بسیار کم می دانند و معتقد اند که چون این کمیسیون دست مایه خارجی هاست و گردانندگان آن را بیشتر سرسپردگان و جاسوسان معلوم الحال امریکائی ها می سازند، لذا کوشش می کنند تا سطح این کشتار را از اصل آن بسیار کم نشان دهند. این کمیسیون ۶۷ درصد این قتل ها را از سوی طالبان و ۲۳ درصد دیگر را از سوی نیرو های خارجی و داخلی افغانستان می داند، اما در مورد ده درصد دیگر چیزی نمی گوید. این سازمان عملیات انتحاری، انفجار های کنار جاده، بمباران ها و حملات مسلحانه را عامل این همه کشتار ملکی ها در افغانستان می داند. کشتار ۲۳ درصد از سوی خارجی ها باز هم آمار نادقیقی است. اول اینکه بسیار از ارزیابی کنندگان جنگ در افغانستان به این باورند که روزانه در افغانستان بین ده تا بیست غیر نظامی به قتل می رسند که به این صورت اگر حداقل این رقم که در کشته شده ها را در نظر بگیریم باز هم در هفت ماه در افغانستان باید ۲۱۰۰ نفر به قتل رسیده باشد، با توجه به عملیات هائی که امریکائی ها در افغانستان با بی پروائی انجام می دهند و تعداد کشته شده ها هر روز درج رسانه ها می گردند، این تعداد نه ۲۳ درصد که بیش از چهل درصد می باشند. به اینصورت این کمیسیون با این اعلان تلاش دارد تا بر جنایات امریکائی ها در افغانستان خاک بریزد و این امر طبیعی است به خاطریکه سوراخ رزق این کمیسیون امریکائی ها اند و سیما سمر و نادر جان نادری سال چندین بار به دعوت مقامات امریکائی به آن کشور سفر می کنند و بخش اعظمی از مصارف این کمیسیون را امریکائی ها می پردازند.

با این همه کشتار غیرنظامیان که گراف آن سال تا سال افزایش می یابد، کرزی در کنفرانس لیزبن به آن اشاره داشت و از قومندانان ناتو خواست تا بعد از این، بیشتر عملیات شان را در روز سازمان دهند که خطر جانی متوجه افراد بی گناه نگردد، اما این قومندانان باز هم به در خواست او کوچکترین وقعی ننهادند. وی سال گذشته از بارک اوباما رئیس جمهور امریکا خواست تا نیرو های امریکائی شبانه به خانه های مردم داخل نشوند و خواهان قطع بمباران های هوائی در افغانستان شد که در آن زمان اوباما آن را رد کرد و ابراز داشت که قوایش درجنگ با تروریستان مسلح نمی تواند از یک بخش مهم و موثر ابزار جنگی خود چشم بپوشد و نیرو هایش را بدون چنین

پوششی وارد معرکه سازد. در کنفرانس لیزین بعد از بحث هائی که در این مورد صورت گرفت، اعلان شد که کرزی بناء به ضرورت های جنگی و ضرورت تأمین امنیت پذیرفته است که نیرو های ناتو دست به عملیات شبانه بزنند، اما این عملیات با تشخیص دقیق و حفظ جان غیرنظامیان همراه باشد». این پذیرش مسخره را همه می دانند که اگر او این را بپذیرد و یا نپذیرد بر اصل کار نیرو های امریکائی در افغانستان اثر گزار نخواهد بود.

از سال ۲۰۰۴ میلادی که طالبان جاهل و جنایتکار بعد از شکست اکتوبر ۲۰۰۱ و ورود نیرو های امریکائی و انگلیسی به افغانستان، دوباره سازماندهی و احیا شدند و بار دیگر نبرد خونینی را با نیرو های خارجی و داخلی در افغانستان آغاز نمودند، هرچه دامنه این جنگ گسترش یافت، طرفین درگیر با ابزار آتش زا تر جنگی و روش های خشن تر و جنایتبارانه تریه جنگ ادامه دادند. طالبان از طریق القاعده و وزیرستان پاکستان اولین بار عملیات انتحاری را زیر نام عملیات «استشهادی» به راه انداختند که در هر بار جان دهها غیر نظامی را گرفته و خون بی گناهان بسیاری با این عملیات به زمین ریخته شد، با اینکه طی این عملیات ها جان دهها سرباز امریکائی و متحدان دیگر او هم گرفته شد و افراد مسلح دولت پوشالی نیز تلفاتی دادند که شاخص ترین آنها دکتر عبدالله لغمانی معاون ریاست عمومی امنیت ملی، انجنیر عمر والی سیافی کندز، کاظم الله یار یکی از جنایتکاران وحدتی و معاون والی غزنی را می توان نام برد. مین گذاری های کور کنار جاده ها که فرق بین گناهکار و بیگناه را نکرده، آتش به هستی تر و خشک می زند، از روش های دیگر جنگی طالبان است که جان صد ها غیر نظامی را گرفته و هر روز برخیل این کشتگان می افزاید. انتحار دردارالامان، در چهارراه انصاری، در خوست، در باغ پل قندهار، در دهرآود ارزگان، در مکروریان سوم، در شهر قندهار و دهها جای دیگر جان صد ها غیر نظامی را گرفت و دهها خانواده را بی سر پرست ساخت. بمباران های کور و نادقیق امریکا و ناتو در هسکه مینه، در شاه ولی کوت، در زرمت، در عزیز آباد، در انگورباغ کندز و دهها جای دیگر صد ها کشته به جا گذاشت. با چنین عملیات ناسنجیده و بی پروای دو طرف درگیر است که از ۲۰۰۴ به این سو، هر ساله بیش از سه هزار غیر نظامی افغان کشته می شوند و بدون این که دو طرف از خون این همه بیگناه درسی گرفته باشند، سال به سال بر تعداد کشته های ملکی می افزایند. بی پروائی دو طرف در کشتار غیر نظامیان در افغانستان اگر از یک سو جاهل و مزدور بودن طالبان را نشان می دهد، از سوی دیگر این را واضح می سازد که اشغالگران ملک ما چه وحشی های هستند که ریزاندن خون افغانها چون ریزاندن پیاله آبی برایشان ارزش ندارد.

مشوره امریکائی:

جاسوسان امریکائی از چندی به این سو با ملا اخترمحمد منصور برای رسیدن به مصالحه مذاکره کرده و این ملا سه بار از امریکائی ها پول های کلانی را دریافت کرده است. امریکائی ها با این مذاکرات شان خوشحال بوده اند که گروپ مهمی از طالبان به آنها خواهد پیوست. این مذاکرات که از یک سال به این سو بین این ملا و امریکائی ها جریان داشته است، حال روشن شده که این ملا اصلاً ملا اخترمحمد منصور نه که کسی دیگری به طور جعلی خود را ملا منصور وانمود کرده و این پول های کلان را از امریکائی ها ربوده است. سخنگوی طالبان در این مورد ابراز داشت که مولوی اخترمحمد منصور در ۲۰۰۴ در شاهیکوت پکتیا در یک درگیری با نیرو های امریکائی به قتل رسیده است و حال اصلاً کسی به نام مولوی اخترمحمد منصور در صف آنان وجود ندارد. با اینکه بسیاری این عمل امریکائی ها را ناشی از ناتوانی و عدم اشنائی آنها از افغانها می دانند، اما برخی ها با شناختی که از شبکه

های استخباراتی امریکا و شگرد های این شبکه ها دارند به این باورند که این هم یکی از شگرد های آنها بوده، در آینده دیده شود که چه دستاوردی برای آنان خواهد داشت.

کنفرانس لیزبن:

از چند روز به این سو که کنفرانس لیزبن بر گزار شده ، بسیاری از رسانه های داخل افغانستان روی این مسأله متمرکز بوده و مقالات بسیاری روی آن نوشته شده است. اینکه گفته می شود که بعد از ۲۰۱۴ صلاحیت استقرار امنیت به نیروهای دولت پوشالی سپرده می شود، بسیاری آن را خیالی بیش به حساب نمی آورد. با این همه باز هم سخنگویان نظامی امریکا در کابل اعلان می کنند که بعد از تحویل دهی امنیت به نیرو های افغان باز هم نیرو های خارجی در افغانستان باقی خواهند ماند و در پایگاه های خود استقرار خواهد یافت. هیچکسی در افغانستان باور ندارد که این نیرو ها برای سالهای متمادی از افغانستان خارج شوند، چون اینان برای سیاست های قاره ئی شان به افغانستان آمده اند. کرسی در این کنفرانس تأکید کرد که حملات از طرف شب انجام نگیرد، اما او به زودی اعلان کرد که درین مورد نیز با بادارانش به نتیجه رسیده است. اما آنچه مسلم است اینکه امریکا بعد ازین تلاش خواهد کرد تا مسؤولیت های خود را در جنگ افغانستان کاهش دهد و صلاحیت را به دولت مزدور خود بسپارد. درین کنفرانس کرسی هم حضور خارجی ها و هم تحویلی مسؤولیت را امضاء کرد، اما اینکه بعد از این باز هم کرسی را امریکائی ها بر قدرت حفظ خواهند کرد، بسیاری شک دارند. برخی ها به این باور اند که امضای این قرار داد ها به عنوان پیش در آمدی بر از میان برداشتن کرسی است، اما برخی دیگر به این باورند که کرسی تا تحویل کامل امنیت بر قدرت باقی خواهد ماند و با ختم ماموریت او دولت مقتدری به میان خواهد آمد که هم مخالفانش را سرکوب کند و هم با قدرت از حضور امریکائی ها در خاک افغانستان دفاع و حمایت کند.

مواد مخدر مشکل مهم روسها:

فدراتیف روسیه که زمانی از رقبای مهم امریکا بود، حال در گیر جدل های مهمی با افغانستان است. کشور های آن سوی دریای آمو هم خود را در معرض هجوم طالبان و هم مواد مخدر افغانستان می بینند و به این خاطر شدیداً اضطراب دارند. فدراتیف روسیه از عملیات نیروهای طالب و القاعده در شمال افغانستان به شدت نگران است زیرا از چندی به این سو نیرو های القاعده در کندز جابه جا شده و حتی چند قومندان طالبان که از آنان نافرمانی داشته را خلع سلاح کرده اند. نماینده روسیه در کابل ازین بابت اضطراب خود را ابراز کرده، می گوید که نیرو های روسی در آینده به ضد قاچاقچیان مواد مخدر در افغانستان سهم خواهند گرفت. همین اکنون در فدراتیف روسیه بیش از ۸ میلیون معتاد وجود دارد که تلفات ناشی از آن در آن کشور چشمگیر می باشد. همچنان القاعده با جنگجویان بنیاد گرای چینی در پیوند نزدیک قرار داشته و از این بابت که نیرو های القاعده در شمال افغانستان متمرکز شده ، با تشویش و اضطراب آن را تعقیب می کند.

یکی از راه هائی که مواد مخدر افغانستان به شمال می رود، مرز تاجکستان است که حدود بیست در صد مواد مخدر ازین طریق از افغانستان صادر می گردد، با اینکه درین روز ها نیرو های سرحدی تاجکستان در سد نمودن بهتر این راه تلاش دارند و دولت تاجکستان به افزایش نیرو بر این مرز دست زده، اما باز هم امیدی که بتواند تمام سوراخ ها را ببندد به نظر نمی رسد، مخصوصاً که بین این نیرو ها نیز تا حدی فساد رخنه کرده و مافیا ازین ضعف خوب استفاده کرده می تواند. همچنان از چند ماه به این سو گزارشاتی مبنی بر تحرکات تروریست ها از برخی نقاط

تاجکستان رسیده که در آن نیرو های امنیتی تاجک با نیرو های طالب و القاعده درگیری داشته و تلفاتی نیز بر دو طرف وارد شده است. تمام این گزارشات باعث می گردد تا «اندرو افیتس یان» نماینده روسیه در کابل تشویش خود را ابراز دارد.

نیرو های حزب تحریر ازبکستان که شاخه ای از سازمان القاعده است، در چند ولسوالی ولایت کندز که هم مرز با ازبکستان و تاجکستان است، از چندی به این سو جابه جا شده، تعداد آن ها را تا ۱۴۰ نفر رقم زده اند. این نیرو که با خود اعراب را نیز دارد، تا حال چند تن از قومندانان طالب را خلع سلاح کرده و خود رهبری جنگ در این ولایت را در دست دارند. اینکه چه زمانی توان گذشتن از آمو را پیدا و ازبکستان و تاجکستان را تهدید خواهند نمود از سوالاتی است که دقیقاً پاسخ ندارد، اما آنچه روشن و مسلم است اینکه حزب تحریر و جنگجویان چچین در پی استقرار نظام اسلامی خود در این مناطق می باشند. چون در آسیای میانه ۵۰ میلیون مسلمان زندگی می کنند، پس القاعده با شاحه های متعددش به دنبال راه یابی به این گستره وسیع است که شکار اول آنها ازبکستان و تاجکستان می باشد و از جایی که راه القاعده برای رسیدن به این دو کشور از شمال افغانستان می گذرد، پس دلیلی وجود ندارد که روسها از این بابت اظهار تشویش نکنند.

نماینده روسیه با تمام تشویش هایش در کابل می گوید که نیرو های روسیه باز هم برای از بین بردن گدام ها و کارخانه های تولید هیروئین در افغانستان اقدام خواهند کرد، مثلیکه چند روز قبل در اچین ننگرها دست به این کار زد، اما این نیرو ها مسلح نخواهند بود. اینکه یک نیروی غیر مسلح در مقابله با قوای مسلح مافیای مواد مخدر جز نظارت چه کاری از پیش برده می تواند، درین مورد نماینده روسیه توضیحی نداده است.

افغانستان که از ۳۰ سال به اینسو در رشد و پرورش مواد مخدر و تروریزم سر آمد روز گار است، نه تنها روسیه و کشور های آسیای میانه ازین طریق مورد تهدید جدی قرار دارند که تمام دنیا دچار دلهره و اضطراب می باشد. همین اکنون سرعت گسترش اعتیاد در هندوستان فوق العاده بالاست و کشور های اروپائی نیز در معرض چنین تهدید هائی قرار دارند. در صورتی که برای جلوگیری هر دو مورد یک اجماع جهانی به وجود نیاید و در راه نابودی آنها تمام کشور های در معرض خطر هماهنگ عمل نکنند، ممکن نیست به این تهدید جدی این قرن پایان داده شود. نیرو های خارجی در افغانستان از ده سال به این سو به ضد القاعده و طالبان جنگ خونینی را به پیش می برند و هر روز خونهای ریخته می شود، اما آنچه لازمه مبارزه به ضد مواد مخدر است تا حال از سوی این نیرو ها دیده نشده و حرکت جدی و تصمیم قاطع گرفته نشده است. برخی از این نیرو ها تا حال به صورت مستقیم و تلویحی ابراز داشته اند که کار آنها در افغانستان مبارزه با مواد مخدر نه که جنگ علیه بنیاد گرایان طالب و القاعده می باشد، در حالیکه جدا نمودن این دو پدیده و علیه یکی جنگیدن و دیگری را رها کردن از اشتباهات عمیقی است که تا حال در افغانستان صورت گرفته است و نتیجه آن طور نیست که نه برکشت و قاچاق مواد مخدر لگام زده شده و نه به جنگ با طالبان و القاعده نقطه پایان گذاشته شد است.